

معلمیان مؤلف

هنرآموز هنرستان‌های بیرجند
و مؤلف کتاب‌های درسی
محمد رضا محمدی

اشاره

آقای محمد رضا محمدی، هنرآموز هنرستان‌های بیرجند، یکی از مؤلفان کتاب‌های درسی رشته رایانه برای هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش است. وی در سال ۱۳۵۱ در شهرستان بیرجند متولد شده است و بیش از ۲۷ سال سابقه تدریس در هنرستان‌های ایرانشهر، تهران و بیرجند را دارد.

محمدی لیسانس تکنولوژی آموزشی و فوق لیسانس رشته برنامه‌ریزی درسی است که علاوه بر تدریس، هشت جلد از کتاب‌های درسی رشته رایانه هنرستان‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش را با همکاری تعداد دیگری از هنرآموزان تألیف کرده است. «نرم‌افزارهای چند رسانه‌ای»، «طراحی امور گرافیکی با رایانه»، «کاربر فلش»، «بسته‌های نرم‌افزاری یک»، «کاربر Director»، «میکس رایانه‌ای»، «کاربر ایلاستریتور Illustrator»، «تولید محتوای الکترونیک و برنامه‌سازی» عنوان کتاب‌های درسی هستند که توسط ایشان و همکارانش تألیف شده‌اند. با ایشان گفت‌وگویی داشته‌ایم که در ادامه تقدیم می‌شود.



● چطور شد که به فکر تألیف کتاب‌های درسی افتادید؟ این کار از چه زمانی و چگونه آغاز شد؟

○ وقتی من این کار را شروع کردم، کتاب‌های شاخهٔ فنی و حرفه‌ای در حال تغییر بودند. در آن زمان (سال ۱۳۷۸ ه.ش)، توسط یکی از همکاران در منطقهٔ ۱۳ تهران، به دفتر تألیف برای نوشتن سرفصل‌های نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای و گرافیک معرفی شدم. در حقیقت همکاری من از آن زمان با دفتر تألیف آغاز شد و سرفصل‌های درس‌های رشتهٔ گرافیک را نوشتیم. بعد به بیرجند برگشتم. حدود شش ماه تا یک سال بعد، از دفتر تألیف با من تماس گرفتند تا کتاب «نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای» را بنویسم، چون در تهیهٔ سرفصل‌های آن کتاب مشارکت داشتم. آن موقع همکاران رشتهٔ رایانه در زمینهٔ نرم‌افزارهای گرافیکی و نرم‌افزارهای چندرسانه‌ای کار نکرده بودند؛ زیرا جزو درس‌های رشتهٔ تحصیلی‌شان نبود. اما تحصیل من در رشتهٔ تکنولوژی آموزشی که به سمت تولید چندرسانه‌ای هم رفته بودیم، کمک کرد تا نوشتن اولین کتاب را با آقای مینایی که در تهران هستند، آغاز کنم و اولین کتابم را به صورت مشترک با ایشان نوشتیم. این اولین تجربهٔ همکاری من در زمینهٔ نوشتن کتاب با دفتر تألیف بود. این کتاب برای پایهٔ سوم رشتهٔ رایانه نوشته شد.

● کتاب بعدی شما چگونه تألیف شد؟

○ بعد از اتمام کتاب اول که تقریباً در سال ۱۳۸۰ به چاپ رسید، با توجه به گرفتن بازخورد مناسب از کتاب قبلی، از من برای نوشتن کتاب جدید در شاخهٔ کاردانش دعوت شد. کتاب جدید باز هم در حوزهٔ تخصصی خودم، یعنی چندرسانه‌ای در رشتهٔ تولید محتوای الکترونیکی و تولید چندرسانه‌ای بود. عنوان کتاب «طراحی امور گرافیکی با رایانه» بود. برای نوشتن کتاب جدید تیمی از استان خراسان جنوبی تشکیل دادیم که خانم عفت قاسمی، خانم مریم پورغلامی و خانم معصومه رضایی در این تیم همراه من بودند. هر چهار نفرمان از هنرآموزهای هنرستان‌های بیرجند بودیم. خانم رضایی در رشتهٔ گرافیک و خانم پورغلامی و خانم قاسمی در رشتهٔ رایانه بودند.

کتاب «طراحی امور گرافیکی با رایانه» جزو اولین کتاب‌هایی بود که به شاخهٔ کاردانش وارد شد. چون رشتهٔ کاردانش تا قبل از آن اصلاً کتاب نداشت.

در حقیقت دفتر تألیف برای رفع مشکل همکاران در تدریس و استفاده از منابع گوناگون برای رشتهٔ کاردانش، نوشتن کتاب‌های این رشته را آغاز کرد.

● چطور شد که کتاب‌های بعدی را تألیف کردید؟

○ بعد از اتمام کتاب دوم، همکاری من با دفتر تألیف بیشتر شد. از آنجا که دفتر تألیف از توانایی استان ما مطمئن شد، نوشتن کل کتاب‌های رشتهٔ تولید چندرسانه‌ای را به استان ما (خراسان) واگذار کرد. کتاب‌ها شامل طراحی امور گرافیکی با رایانه، کاربر فلش، کاربرد ایرکتور، میکس رایانه‌ای، بسته‌های نرم‌افزار یک و کاربر ایلاستریتور بود.

بهترین روش تولید کتاب‌های درسی استفاده از معلمان مؤلف است



اولین کتابم را با عنوان «نرم‌افزار چندرسانه‌ای» با همکاری آقای مینایی استاد برجسته درس مزبور نوشتیم

کتاب کاربرد ایرکتور و میکس رایانه‌ای را من و همسرم که ایشان نیز هنرآموز هنرستان هستند نوشتیم و برخی دیگر را به همراه همکارانی چون علی آفاکثیری، ملیحه طرزی و حبیب رسا نوشتیم. مثلاً برای نوشتن کاربرفلش، آقای رسا از مشهد، من و همسرم را همراهی می‌کرد. من دوستانی داشتم که ارتباط خوبی با هم داشتیم و به راحتی درخواست‌های یکدیگر را متوجه می‌شدیم.



کتاب «طراحی امور گرافیکی با رایانه» جزو اولین کتاب‌هایی بود که به شاخهٔ کار دانش وارد شد. چون تا آن زمان رشتهٔ کار دانش اصلاً کتاب نداشت

• چرا نوشتن این کتاب‌ها چند سال طول کشید و برای نوشتن آن‌ها از چه منابعی استفاده می‌کردید؟
 ○ اگر نوشتن کتاب‌ها چند سال طول کشید، به این دلیل بود که من از قبل در آن زمینه‌ها کار کرده بودم و در همان درس‌ها در رشتهٔ کار دانش تدریس می‌کردم. از آنجا که رشتهٔ کار دانش کتاب نداشت، برای تدریسم جزوه‌هایی را از منابع متفاوت یا قسمت راهنمای (help) نرم‌افزارها تهیه کرده بودم. چون برای بعضی از سرفصل‌ها اصلاً کتابی در بازار موجود نبود و مجبور بودم راهنمای نرم‌افزارها را ترجمه کنم و با توجه به آن‌ها فعالیت و تمرین طراحی می‌کردم و در جزوات خودم می‌نوشتم. برای نوشتن کتاب دایرکتور هیچ منبعی در بازار پیدا نکردم. به همین دلیل فایل اصلی «پی‌دی‌اف» شرکت «آدوب» (Adobe) را پیدا کردیم و از

راهنمای آن برای پیدا کردن مطالب مورد نظر استفاده کردیم. بعد از ترجمهٔ مطالب مجبور بودیم آن‌ها را ساده‌تر کنیم و برایش تمرین و فعالیت طراحی می‌کردیم. در نهایت هم آن مجموعه به یک کتاب تبدیل می‌شد. این‌ها مجموعه کتاب‌های رشتهٔ تولید چندرسانه‌ای بودند که بعد از تغییر تولید محتوای الکترونیک، باز هم از همین کتاب‌ها استفاده کردند و بعد کتاب دیگری به آن مجموعه اضافه شد. کتاب بعدی‌ام «کاربر ایلاستریاتور» نام داشت. این کتاب برای رشتهٔ تصویرسازی آماده شد. کاری که ما در تمام این کتاب‌ها انجام دادیم، این بود که کتاب‌ها را از صرف آموزش نرم‌افزار به آموزش کاربردی تبدیل کردیم. یعنی در کتاب‌ها از روش «پروژه‌محور» یا «پی‌دی‌ال» استفاده کردیم. در هر بخش یا اواخر کتاب پروژه‌ای را تعریف می‌کردیم که دانش‌آموزان



معلم یا هنرآموز

خیلی بهتر و

بیشتر از هر

کسی از نیاز

دانش آموزان و

هنرجویان در

کلاس درس خبر

دارد و به نظر من

اگر از معلمان در

نوشتن کتاب‌های

درسی متناسب

با تخصصشان

استفاده شود،

تأثیرات خیلی

خوبی خواهد

داشت

• ارزیابی شما از توان و ظرفیت معلمان برای تولید کتاب و محتوای درسی در سراسر کشور چیست؟

○ به نظر من سازمان پژوهش باید به‌عنوان ناظر حضور داشته باشد و بر عملکرد تیم‌های مؤلف و منتخب استان‌ها برای نوشتن کتاب‌ها نظارت کند و آن‌ها را از نظر علمی و فنی تأیید کند.

اتفاقاً وقتی اولین کتابم را نوشتیم، در یکی از همایش‌ها، آقای احدی کارشناس رشته در زمان تألیف آن کتاب گفت: «من با آوردن آقای محمدی برای تألیف کتاب، ریسک بزرگی انجام دادم، اما از یک معلم، مؤلف ساختم».

بدین ترتیب این امکان برای معلم‌ها فراهم شد که نویسندگان باشند. قبل از ما کتاب‌ها توسط استادان دانشگاه‌ها نوشته می‌شدند و خیلی از کتاب‌های درسی زبان دشواری داشتند و بچه‌ها متوجه مطالب

می‌باید آن را انجام می‌دادند. با توجه به همان پروژه طراحی شده، نرم‌افزار را آموزش می‌دادیم.

به نظر من کتاب‌ها مورد استقبال همکاران قرار گرفتند. ضمن اینکه اگر اشکالی در کتاب‌ها بود، آن را رفع می‌کردیم، یا اگر مطلبی در کتاب سخت توضیح داده شده بود، آن را تغییر می‌دادیم. در حقیقت مجموعه به این ترتیب به جلو حرکت کرد. آخرین کتابی که با دفتر کار کردم، در سال ۱۳۹۵ منتشر شد و جزو کتاب‌هایی است که براساس شایستگی نوشته شده‌اند. مقاله‌های زیادی دارد که شما در مجله آورده‌اید. نام کتاب «تولید محتوای الکترونیک و برنامه‌سازی» است و جزو کتاب‌های درسی بچه‌های رشته رایانه است.

ما در مجموع هشت کتاب درسی برای رشته رایانه در شاخه کار دانش و فنی و حرفه‌ای نوشته‌ایم.

اگر هم دانش‌آموزی نمره قبولی را کسب نکرد، دوباره و دوباره از او امتحان می‌گیریم. درست است که او از امتحان دادن ترسی ندارد، اما دیگر به درس اهمیت نمی‌دهد و یا کمتر اهمیت می‌دهد. به نظر باید نظام ارزشیابی مقداری دقیق‌تر و رسمی‌تر شود، وگرنه کتاب‌ها چون براساس شایستگی نوشته شده‌اند، خیلی خوب‌اند و اینکه نوشتن هر درس یا سرفصل به استانی واگذار شده، شیوه خوبی است.

● **غیر از استان شما، یعنی خراسان جنوبی، کدام استان‌ها در نوشتن کتاب‌ها همکاری داشته‌اند و چه کتاب‌هایی را نوشته‌اند؟**
○ من در دو کتاب پایه یازدهم دیدم که تهران، بندرعباس و سمنان در نوشتن آن‌ها همکاری داشته‌اند. کتاب تولید محتوا در بیرجند (خراسان جنوبی) نوشته شد و تهران، خراسان رضوی و گلستان در مجموع آن را به اتمام رساندند.

● **«معلم مؤلف» بودن معلم‌ها چه تأثیری بر کیفیت آموزش دارد؟ آیا ما را در مسیر آموزش دادن قوی‌تر می‌کند یا خیر؟ در رشد انگیزه‌های معلمان چه اثری دارد؟**
○ اگر دفتر تألیف در انتخاب معلم‌های متخصص دقت داشته باشد و معلم‌هایی را که در حوزه تخصصی خودشان کار می‌کنند، پیدا کند، قطعاً بر کیفیت آموزش تأثیر دارد. اگرچه دفتر تألیف



آن‌ها نمی‌شدند. وقتی همکاران نسبت به سختی مطالب کتاب اعتراض می‌کردند و تغییر محتوای آن و یا ساده‌تر کردن مطالب را درخواست می‌کردند، نویسندگان کتاب نمی‌پذیرفتند و معلمان را در سطح نظرخواهی در این باره نمی‌دانستند. به نظرم بزرگ‌ترین کار دفتر تألیف، دعوت از معلمان برای نوشتن کتاب درسی است. در حال حاضر سبک کار کاملاً عوض شده است و معلم‌ها کتاب‌های درسی را می‌نویسند. اگر صفحه نخست آخرین کتابی را که خودم در نوشتن آن با دفتر همکاری کردم، مشاهده کنید، خواهید دید که هر سرفصل به استان یا فردی که در آن موضوع تخصص داشته، واگذار شده است. به نظرم کار بسیار خوبی است و می‌توان این شیوه را ادامه داد.

● **چندی قبل آقای مهندس دوراندیش، مدیر کل دفتر تألیف کتب درسی فنی و حرفه‌ای و کاردانش، گفت: ۴۲۵ کتاب جدید نوشته‌ایم که ۲۶۰ نفر از معلمان نویسنده از استان‌ها مؤلف آن‌ها بودند. شما چه نظری درباره این کتاب‌ها دارید؟**

○ کتاب‌ها خیلی خوب شده‌اند. کتاب‌ها براساس شایستگی نوشته شده و بیشتر به سمت کارهای عملی رفته‌اند. ارزشیابی هم براساس شایستگی صورت می‌گیرد. فقط وزارت آموزش و پرورش باید به مواردی بیشتر دقت کند. از جمله اینکه به هیچ‌وجه نباید ارزشیابی رسمی را کنار بگذارد. ارزشیابی که در سال‌های قبل در سه نوبت آذر، اسفند و خرداد برگزار می‌شد، به نظرم بهترین روش بود؛ هرچند ارزشیابی براساس شایستگی خوب است و همکاران می‌توانند پودمانی امتحان بگیرند. ارزشیابی بخشی از آموزش است. وقتی ارزشیابی رسمی کنار گذاشته شود، به تدریج برای بچه‌ها این ذهنیت به وجود می‌آید که امتحانات اصلاً اهمیت ندارند و به همین دلیل بچه‌ها مطالب را کمتر می‌خوانند. ارزشیابی رسمی در آموزش تأثیر بسزایی دارد.

ارزشیابی پودمانی هم خوب است، به شرط اینکه رسمی‌تر برگزار شود؛ دقیقاً مانند امتحانات قبلی. امروزه دانش‌آموزان فکر می‌کنند که ارزشیابی‌ها مانند امتحانات مستمر است و نحوه درس خواندنشان این‌گونه شده است. چون امتحانات پودمانی برگزار می‌شوند، بعد از اتمام هر پودمان، امتحان برگزار و نمره‌ها ثبت می‌شود.

بزرگ‌ترین کار دفتر تألیف، دعوت از معلمان و هنرآموزان برای نوشتن کتاب‌هاست

یکی از نگرانی‌های والدین برای فرستادن فرزندانشان به هنرستان‌ها، کمبود امکانات هنرستان‌ها و ضعف آن‌ها در کسب مهارت‌های مورد نظر است

تا حدودی همین کار را انجام داده است. مثلاً اگر استانی در بحث برنامه‌سازی قوی است، می‌تواند از معلم‌های همان استان در نگارش مطالب استفاده کنند.

به نظر معلم خیلی بهتر و بیشتر از هر کسی از نیاز دانش‌آموزان در کلاس درس خیر دارد. وقتی معلمی کتاب را می‌نویسد، سطح علمی دانش‌آموزان را در نظر می‌گیرد. بر همان اساس مطالب کتاب را سازمان‌دهی می‌کند و براساس تجربه‌های گذشته، کتاب را می‌نویسد. به نظر ما اگر از معلم‌ها در نوشتن کتاب‌ها استفاده شود، تأثیرات خیلی خوبی دارد. همان‌طور که طی چند سال اخیر، قابل مشاهده است و کتاب‌ها نسبت به قبل خیلی بهتر شده‌اند. وقتی خودم کتاب‌های اولیه‌ی رشته‌ی رایانه را با کتاب‌های امروز مقایسه می‌کنم، می‌بینم کتاب‌های قبل واقعاً سخت بودند. دانش‌آموزان هم همیشه نسبت به سخت بودن کتاب‌ها اعتراض می‌کردند، ولی هیچ تغییری در کتاب‌ها به وجود نمی‌آمد.

تا اینکه از سال ۱۳۷۸ به بعد تغییرات خوبی در کتاب‌های درسی به وجود آمد. در مجموع به نظر من، بهترین روش تولید محتوا و کتاب درسی، استفاده از معلمان مؤلف است.

علت اینکه وضع بهتر شد این است که در گذشته جریانی در دفتر تألیف وجود داشت که کسی را به آن مجموعه راه نمی‌دادند ولی امروز دیگر آن جریان وجود ندارد. البته آقای دکتر محمدیان (رئیس

سابق سازمان پژوهش) هم خودش کمک می‌کند که معلم‌ها از استان‌ها برای کمک بیایند و خوش‌بختانه هم این روند اجرا می‌شود.

● با توصیف‌های شما، در حقیقت در تألیف کتاب‌های درسی فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش یک قدم به جلو برداشته‌ایم؟

○ بله، صددرصد. چون وقتی از معلمی که خودش متخصص کار است، استفاده می‌کنند، کتاب‌ها خیلی بهتر نوشته می‌شوند. از طرف دیگر، معلم‌ها دانش‌آموزان خود را بهتر از استادان دانشگاه و دیگران می‌شناسند.

● به نظر شما برای علاقه‌مند کردن و افزایش علاقه‌مندی دانش‌آموزان به رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش چه باید کرد؟

○ باید سیاست‌گذاری‌ها از بالا کمی تغییر کنند. یکی اینکه خروجی رشته‌های فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش در کنکور دیده شوند. یعنی بچه‌ها بتوانند وارد کنکور سراسری شوند. فکر می‌کنم برای دوره جدید می‌خواهند چنین کاری انجام دهند تا بچه‌ها بتوانند مستقیم وارد دوره کارشناسی شوند. قبلاً فقط می‌توانستند تا فوق‌دیپلم بخوانند.

پس یک روش این است که ادامه تحصیل این دو رشته دیده شود و بتوانند در کنکور کارشناسی شرکت کنند. راه‌حل دوم بیشتر کردن امکانات در مدرسه‌های فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش است. هرچه امکانات بیشتر باشد، بچه‌ها پس از گذراندن دوره‌ها، فنی‌تر خواهند شد و با اطلاعات بیشتری فارغ‌التحصیل می‌شوند. به همین دلیل گرایش به این رشته‌ها بیشتر می‌شود.

یکی از دلایلی که اولیا از فنی‌و حرفه‌ای می‌ترسند، کم بودن امکانات هنرستان‌ها و مدرسه‌هاست. وقتی والدین بچه‌ها راه انجامی فرستند، متوجه می‌شوند که فرزندشان، هم از کنکور جا مانده و هم تخصص یا مهارت مورد نظر را کسب نکرده است. به نظر من، هم در شاخه‌های فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش باید امکانات افزایش یابد و هم کنکور برای این رشته‌ها در نظر گرفته شود. بدین ترتیب ورودی و خروجی هنرستان‌های ما افزایش پیدا می‌کند.

● امروز بحث حذف کنکور است.

○ منظور من از کنکور این نیست که فارغ‌التحصیلان هنرستان‌های فنی‌و حرفه‌ای و کار دانش حتماً در

- «نرم‌افزار
- چندرسانه‌ای».
- «طراحی امور
- گرافیکی با رایانه».
- «کاربر فلش».
- «کاربر دایرکتور».
- «میکس
- رایانه‌ای».
- «کاربر
- ایلاستریتور».
- «تولید محتوای
- الکترونیک و
- برنامه‌سازی».
- عنوان‌های چند
- کتاب درسی
- هستند که توسط
- آقای محمدرضا
- محمدی و
- همکارانشان تألیف
- شده‌اند



کنکور شرکت کنند. بلکه فراهم کردن امکانی برای شرکت این گروه از دانش‌آموزان در آموزش‌های دوره‌های بالاتر است. یعنی برای این گروه هم ظرفیت قائل شوند تا بتوانند مستقیم وارد رشته‌های کارشناسی شوند.

● **چقدر توانسته‌ایم خروجی‌های مدرسه‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش را جذب بازار کار کنیم؟ آیا آن قدر مدرسه‌ها توانمند شده‌اند که بتوانند به راحتی جذب بازار کار شوند؟**

○ در بعضی از رشته‌ها این اتفاق افتاده است. توجه داشته باشیم، عوامل زیادی در این زمینه دخالت دارند. یکی از عوامل این کار، امکانات مناسب آن رشته در دوران تحصیل در هنرستان است. اگر رشته‌ای از امکانات کافی و خوبی برخوردار باشد، مسلماً دانش‌آموزان بیشتری جذب می‌کند و خروجی‌های باسوادی خواهد داشت. مثلاً در رشته رایانه این اتفاق تقریباً خوب بوده است. چون هم کتاب‌ها خوب‌اند و هم همکاران جزو افرادی هستند که خارج از هنرستان‌ها هم فعالیت دارند. وقتی همکاری خودش در بازار کار فعال است و فعالیت می‌کند، می‌داند که چه آموزش‌هایی را باید به دانش‌آموزان بدهد تا آنان را برای بازار کار آماده کند. من معتقدم که هم امکانات هنرستان‌ها و هم توانایی‌های معلمان را باید افزایش داد. بدین ترتیب خروجی‌های باسوادی خواهیم داشت که به راحتی می‌توانند برای خودشان کار پیدا کنند. آن‌هایی که بعد از گذراندن دوره‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش نمی‌توانند کار پیدا کنند، کسانی هستند که در طول تحصیل خود هیچ مهارتی را کسب نکرده‌اند. نکته دیگر این است که ما چقدر بازار کار ایجاد کرده‌ایم؟ نظر من این است که خود دانش‌آموز فنی‌و حرفه‌ای یا کاردانش باید با مهارتش اشتغال و کارآفرینی ایجاد کند. چون در این رشته‌ها بحث استخدام مطرح نیست. یک مقدار هم باید از خروجی‌های فنی‌و حرفه‌ای و کاردانش حمایت کرد. چون تعداد زیادی از فارغ‌التحصیلان باسواد هستند و مهارت‌های مناسبی را یاد گرفته‌اند.

● **چه توصیه‌ای به هنرآموزان کشور برای رشد هنرستان‌ها و هنرجویان که در حقیقت عوامل رشد و توسعه کشور هستند، دارید؟**
○ درست است که در برخی از رشته‌ها امکانات کافی

وجود ندارد، ولی همکاران باید حداکثر بهره‌وری را از امکانات موجود داشته باشند. مخصوصاً همیشه باید این تفکر را داشته باشند که تخصص خودشان را به بچه‌ها انتقال بدهند. اگر تخصص معلم‌ها به‌طور کامل به دانش‌آموزان منتقل شود و امید و انگیزه کافی به دانش‌آموزان داده شود، خروجی‌های خوبی خواهیم داشت که می‌توانند با تخصص به دست آمده وارد بازار کار شوند. وقتی او بتواند به خوبی کار کند، یعنی می‌تواند کمک کند تا چرخ اقتصادی کشور بچرخد.

ممکن است ما در برخی از هنرستان‌ها مشکلات تجهیزاتی داشته باشیم که در حقیقت هم داریم، ولی اساس کار خود معلم و هنرآموز است. خیلی از معلم‌ها حتی می‌توانند کمبودها را هم برطرف کنند. مقداری همت نیاز دارد. معلم‌ها باید به این موضوع هم فکر کنند که فارغ‌التحصیلان باید بتوانند به خوبی کار کنند و وارد بازار کار و فعالیت شوند و بدین ترتیب در حرکت چرخ اقتصادی کشور کمک کنند. معلم‌ها برای انتقال تمام تخصصشان به دانش‌آموزان باید از تمام تمرکز خود استفاده کنند.

● **به نظر شما کم بودن حقوق معلمان یا هنرآموزان بهانه خوبی برای انجام ندادن کار باعلاقه است؟**

○ این موضوع که باید به معلم‌ها توجه بیشتری شود، امر واضحی است. ولی چون ما این شغل را قبول کرده‌ایم، باید وظیفه خودمان را به نحو احسن انجام دهیم. اگر وظایف خود را به درستی انجام ندهیم، ضربه بزرگی به بچه‌ها و آموزش کشور وارد می‌کنیم. چون بچه‌های مردم به‌صورت امانت در دست ما هستند و باید آن‌ها را مانند فرزندان خودمان بدانیم. ضمن اینکه درست کار نکردن به توسعه کشور هم آسیب می‌زند.

با این تفکر می‌توانیم بسیاری از مسائل را کنار بگذاریم و از داشته‌هایمان حداکثر بهره‌وری را داشته باشیم. اگر قرار باشد حقوقی افزایش پیدا کند، قبلش باید توسعه یا رشدی در کشور رخ بدهد تا بتوان تغییراتی به وجود آورد. کوتاهی ما در قبال دانش‌آموزان باعث می‌شود که افراد نالایقی وارد چرخه امور کشور شوند و مشکلات فراوانی به وجود آورند.

● **خیلی از معلم‌ها کشور را با ژاپن، فنلاند، آلمان و... مقایسه می‌کنند و وضعیت حقوقی**

بهترین روش تولید محتوا و کتاب درسی استفاده از معلمان متخصص است

برای اینکه هنرجوها مهارت‌های لازم را برای ورود به بازار کار به خوبی کسب کنند، انگیزه هنرآموزان و هنرجویان می‌بایست افزایش یابد

ممکن است ما در برخی هنرستان‌ها کمبود وسایل و تجهیزات داشته باشیم که در حقیقت هم داریم، ولی اساس کار آموزش معلم و هنرآموز است



**مهم‌ترین انگیزه
من در نوشتن
کتاب‌های درسی
این بود که
دانش‌آموزان
این کتاب‌ها را
بخوانند و چیزی
یاد بگیرند و وارد
چرخه صنعت
کشور شوند**

از چاپ درصدي به شما تعلق بگيرد. بلکه فقط همان یک بار حق‌التألیف است. مهم‌ترین انگیزه من این بود که یک دانش‌آموز کتاب را بخواند و یاد بگیرد و وارد چرخه صنعت کشور شود. حاصل آن هم ثوابی است که شاید نصیب من هم بشود.

● برای نکته پایانی مطلبی دارید؟
○ فقط می‌خواهم از آقای مهندس جعفرآبادی و مهندس دوران‌دیش در دفتر تألیف تشکر کنم. همچنین از کلیه کارشناسانی که در طول تألیف کتاب‌ها گروه مؤلف را کمک کرده و به معلم‌ها فرصت دادند وارد چرخه تألیف شوند. چون دست به اقدام فکورانه‌ای زدند و اجازه دادند معلم‌ها تألیف کتاب‌های درسی رشته خودشان را بر عهده بگیرند. مسلماً آثار خوب این حرکت در سال‌های آینده در آموزش و پرورش کشور دیده خواهد شد.

آنها را مثال می‌زنند. نظر شما در این باره چیست؟

○ به نظرم مقایسه درستی نیست. چون امکانات و نظام آن کشورها با ما کلاً متفاوت است. فعلاً در شرایطی هستیم که خودمان باید روی پایمان بایستیم و با شرایط موجود به کارمان ادامه دهیم. مشکل عمده در رشته‌های فنی و حرفه‌ای کمبود امکانات است، ولی باز هم می‌توان برخی از آن‌ها را پوشش داد و بحث آموزش را به جلو راند، به نحوی که بچه‌ها کمتر آسیب ببینند.

● چه احساسی دارید که جزو معلمان مؤلفی هستید که کتاب‌های درسی رشته خودتان را می‌نویسید؟

○ بزرگ‌ترین انگیزه من در نوشتن کتاب‌های درسی جنبه مالی نداشت؛ چون نوشتن کتاب درسی اهمیت مالی ندارد و مثل بقیه کتاب‌ها نیست که بعد